

## طرح درس

### از کتاب مهارت‌های آموزش زبان خارجی و آزمون

#### چکیده

یکی از مهمترین کارهایی که لازم است در برنامه‌های آموزش دبیری و برنامه‌های بازآموزی معلمان منظور شود، آشنا کردن هرچه بیشتر دبیران و آموزگاران با برنامه‌ریزی و تهیه طرح درس (lesson planning) است. در بسیاری از موارد مدرسين و دانشجويان دبيري ما براي يافتن منبع مناسبی که به صورت کامل و راحت آنان را راهنمایی کند و نکات ضروری موضوع را به شکل منسجم و فشرده در اختیار آنان قرار دهد، به گونه‌ای که بدون درگیر شدن با لغات و اصطلاحات فنی و مشکل و بدون پیچیدگی و سردرگمی اصل موضوع را به دست آورند، دچار مشکل می‌شوند. به این منظور این مقاله با زبانی ساده، به بحث مهم طرح درس اختصاص داده شده و موضوع را به گونه‌ای روشن و قابل استفاده برای عموم مطرح کرده و مطالب به شکل مشخصی قسمت بندی شده است تا خواننده به راحتی و بدون سردرگمی بتواند به مطلب مورد نظر خود دسترسی پیدا کند. امیدوارم این مقاله برای دانشجويان مراکز تربیت معلم و دانشگاهها به خصوص رشته‌های تربیت دبیر و همچنین برای همکاران شاغل به صورت دستورالعمل دم دستی (Manual) مورد استفاده قرار گیرد. (اصل مقاله از کتاب مهارت‌های آموزش زبان انگلیسی (و آزمون) گرفته شده و با تغییراتی در اینجا ارایه می‌گردد. برای شکل کامل طرح درس با نمونه و مثالهای لازم به کتاب مذکور مراجعه فرمایید).

برای ایجاد آموزش مؤثر و موفق در کلاس و برای حداکثر استفاده از زمان موجود در هر ساعت درسی، لازم است قبل از رفتن به کلاس درس برنامه‌ی کار خود را به شکل منظم و مشخص طرح‌ریزی کنیم. این موضوع برای ایجاد تنوع در آموزش و بالا نگه‌داشتن سطح علاقه‌ی فراگیرندگان و بهتر شدن نحوه تدریس بسیار مؤثر بوده و برای جلوگیری از اتلاف وقت، ارایه‌ی به موقع مطالب ضروری و تعیین مدت لازم برای تدریس و تمرین هر قسمت از درس و پیش‌بینی بهترین نحوه‌ی اجرای هر یک از مهارت‌ها و اجزاء زبان و هر یک از تمرینات بسیار کمک خواهد کرد.

برای تهیه طرح درس لازم است که قبلاً تصمیمات لازم در موارد زیر اتخاذ گردد:

الف: اهداف آموزشی (کوتاه مدت و بلند مدت)

ب: روش تدریس مورد نظر

پ: مدت زمانی که برای تمرین هر یک از مهارتها (یا هر یک از قسمت‌های درس) مورد نیاز است. قدم دوم گرفتن تصمیم برای این است که چگونه کار یک هفته و همچنین کار هر ساعت درسی (۴۵ یا ۶۰ یا ۹۰ دقیقه‌ای) را می‌توان به شکل متنوع مرتب کرد. و اینکه یک واحد درسی کتاب را<sup>۱</sup> به چه طریقی می‌توان بهتر و مؤثرتر ارائه داد. به قول چستین (۱۹۷۳):

برنامه‌ریزی معلم را قادر می‌سازد که وضعیت آموزش کلاس درس خود را منظم کرده و با هدفهای تدریس وفق دهد. تنها با طرح هدفهای مشخص می‌توان یک سری فعالیت‌های مناسب را برای پیشرفت مهارتهای دانش‌آموزان براساس قدم به قدم (از آسان به مشکل) به گونه‌ای طرح‌ریزی کرد که محصلین را به طرف اخذ مهارتهای مطلوب در زبان سوق بدهد. (ص ۲۷۱)

علاوه بر نکته‌های اساسی مذکور در فوق (یعنی هدفهای تدریس)، طرح درس باید بر علاقات اساسی زیر نیز استوار باشد:

- ۱- سن شاگردان
- ۲- سطح درس
- ۳- تعداد شاگرد
- ۴- زمینه قبلی معلومات شاگردان
- ۵- زبان مادری آنها<sup>۲</sup>
- ۶- شرایط اقتصادی و اجتماعی شاگردان
- ۷- درجه علاقه، نیاز و توجه آنان به زبان خارجی
- ۸- تعداد ساعات تدریس در هفته
- ۹- طول دوره
- ۱۰- کتاب درسی (تعداد درسها، طول هر درس، تمرینات موجود و ...)

قبل از شروع هر سال تحصیلی (یا هر ترم درسی) لازم است معنم کتاب درسی کلاسهائی را که قرار است تدریس کند به طور کامل مورد بررسی قرار دهد و با محاسبه تعداد هفته‌های موجود در طول مدت تدریس (با محاسبه تعطیلات احتمالی) و تعداد ساعات درسی، هفته‌ها را به تعداد درسها (یا

۱-  $unit\ of\ teaching = unit\ of\ work$  اصطلاحاً به هر درس کتب یا هر قسمت که بک مجموعه درسی از درسهای کتب را تشکیل دهد، یک واحد درسی گفته می‌شود.

۲- اهمیت زبان مادری در آموزش زبان در بنسبت که با توجه به مشابهات و تفاوت‌های زبان مادری و زبان مورد تدریس، بعضی از قسمتها نیاز به تمرینات بیشتر یا کمتری خواهد داشت.

فصلها و موضوعات مربوط) تقسیم کند تا معلوم شود که برای تدریس هر قسمت یا هر درس چه مدت و وقت در اختیار دارد.

تنها بعد از این محاسبه است که می‌تواند تصمیم بگیرد با صرف چه مدت وقت می‌تواند هر قسمت از کتاب را تدریس نماید و همچنین با توجه به سادگی و دشواری هر قسمت، نیاز شاگردان و توانش‌های فراگیری آنان، اهداف درسها و امکانات موجود را برنامه‌ریزی کنند. این موضوع به خصوص برای معلمین تازه‌کار بسیار اساسی است و باعث خواهد شد که با اعتماد به نفس بیشتری در مقابل کلاس ظاهر شوند. و ضمناً بتوانند به موقع کتب درسی را تمام کنند. (ناگفته نماند، بسیاری از معلمین و دبیران از زیادی حجم کتابهای درسی می‌نالند. در اکثر موارد حجم کتاب با برنامه موجود متناسب است. اشکال اصلی در اینست که معلم در ابتدای سال این تقسیم‌بندی را انجام نمی‌دهد).

لازم به یادآوری است که در طی مراحل اولیه تدریس، معلمین تازه‌کار تجربه‌های پرارزشی در مورد طرح درس به دست خواهند آورد. به شرط آنکه مقدمه آن در کلاسهای تربیت دبیر فراهم گردد. اصول کار به طور کامل شرح داده شود و تمرین گردد تا متوجه شوند که باید به هنگام کار کلاسی به چه نکاتی توجه کرده و در کدام جهت حرکت کنند.

### اهمیت طرح درس

داشتن طرح درس مناسب به طور مسلم باعث تقویت روحیه و ایجاد اعتماد به نفس شده و مانع از این می‌شود که معلم در مقابل کلاس به اصطلاح دست و پای خود را گم کند.

در دسترس داشتن طرح درس به هنگام تدریس باعث می‌شود وقفه‌های کوتاه در کار آموزش کلاس ایجاد نگردد و یا به حداقل برسد. این وقفه‌ها، مخصوصاً در ساعات و هفته‌های اول تدریس و اول سال باعث جلب نظر شاگردان شده و اغلب موجب می‌شود حرکاتی از خود نشان دهند که گاه ایجاد حساسیت کرده و کار معلم را مشکل‌تر می‌سازد و حتی باعث ایجاد مسائل انضباطی می‌گردد. ولی اگر معلم بداند که بایک نگاه به طرح درس روی میز که کاملاً در دسترس وی می‌باشد - هیچ‌گونه مشکلی در ادامه درس نخواهد داشت، با قوت قلب بیشتری کار کرده و کمتر احتمال ایجاد مسأله‌ای برای وی پیش خواهد آمد.<sup>۱</sup>

۱- در آموزش زبان (مانند سایر علوم) حتی برای دبیران با تجربه نیز کمتر اتفاق می‌افتد که بدون مطالعه و طرح مناسب (حتی اگر شفاهی باشد) به کلاس بروند. به صورت فی‌البداهه مثال ردن و اثبات کردن گاه مشکلات اساسی و

دوم اینکه معلم باید توجه داشته باشد که تدریس خوب در سایه روشن بودن اهداف کار ایجاد می‌شود و طرح درس خوب مایه پیشرفت قابل توجه دانش‌آموزان است.

سوم - کلاسی که بخواهیم آموزش در آن به طور مؤثر جریان داشته باشد لازم‌هاش انتخاب سیستماتیک برنامه کار و منظم ساختن فعالیت‌های کلاسی از قبل است. معلم باید متوجه اهمیت ارتباط مستقیم فعالیت‌های هر کلاس درس با کلاس قبلی و کلاس بعدی بوده و به هدایت مجموعه فعالیت‌ها به طرف هدف آموزش زبان توجه داشته باشد و ضمناً باید بداند که بعضی از قسمتهای طرح درس توجه، دقت و آمادگی کامل‌تری را نسبت به قسمتهای دیگر می‌طلبد.

تمرینات طبیعتاً در کتاب هستند. نکته مهم اینست که معلم تشخیص دهد کدام تمرین‌ها در ارتباط مستقیم با نکات گرامری مطرح شده در درس هستند و اول روی آنها کار کند و اگر تعداد تمرینات بیشتر از آن است که بتوان همه را در کلاس انجام داد، معلم باید با تشخیص درست آنها را که برای تقویت نکات مورد تدریس مهم تر هستند انتخاب کند تا در کلاس انجام شوند<sup>۱</sup> و آنهایی را که باید به عنوان تکلیف خانه انجام گردد قبلاً مشخص کند تا بعد از نوشتن توسط شاگردان در کلاسهای بعدی تصحیح و تمرین گردد.

گروه دیگری از تمرینات ارتباط مستقیم با هدفهای آموزشی زبان دارد که تشخیص و انتخاب آنها نیز باید قبلاً انجام گردد و در طرح درس گنجانده شود.

حتی جالب و خنده‌آوری را پیش می‌آورد. که در این کتاب در فصل اول آمده است. یک بار معلمی که مشغول تدریس مجهول کردن جملات انگلیسی بود پس از شرح و بسط مفصل در مورد قاعده کار (حذف فاعل و برداشتن مفعول و قرار دادن آن در اول جمله و ...) خواست جمله مناسبی برای مثال روی تخته بنویسد. ظاهراً بلافاصله چیزی به نظرش نمی‌رسد و مکث می‌کند و با نگاه به طرف شاگردان از آنها کمک می‌خواهد. (اغلب اتفاق می‌افتد که معلمین پس از گفتن قاعده از شاگردان می‌خواهند هر مثالی را که به نظرشان می‌رسد ارائه دهند) یکی از شاگردان زیرک جمله زیر را پیشنهاد می‌کند. I go to school. و معلم بی‌توجه و بلافاصله آنرا روی تخته می‌نویسد و پس از حذف فاعل مدتی به دنبال مفعول می‌گشته است و شاگردان که ظاهراً زمینه قبلی هم داشته‌اند مشغول خنده و تفریح

۱- به طور کلی عقیده اهل فن بر این است که کارهای کنیی که خود شاگردان می‌توانند انجام دهند باید در خانه توسط شاگرد انجام گیرد و وقت کلاس بیشتر باید به کارها و تمرینات شفاهی که بدون حضور معلم انجام پذیر نیست صرف گردد. تکلیف‌ها و تمرین‌های کنیی در کلاس، معمولاً بهتر است بعد از انجام آنها توسط شاگردان در خانه انجام پذیرد. مگر در کلاسهای مفدماتی. در مواردی که تمرین‌ها زیاد باشد لازم است معلم انتخاب کند.

برای آرایه درس تازه و برای ترکیب و تلفیق تمرینات، معلم باید قسمت عمده مسئولیت را خود به عهده بگیرد به گونه‌ای که بهترین و روشن‌ترین فعالیت‌های زبانی خوش آیند و انگیزه‌دار در ارتباط با محتوا و اهداف دوره آموزشی به زائنه گردد. یعنی این خود معلم است که می‌تواند نحوه فعالیت‌های کلاسی را برای ایجاد بهترین نتیجه تشخیص دهد و این تنها با برنامه‌ریزی قبلی ممکن می‌شود زیرا از هیچ معلمی، حتی از معلمین با سابقه نیز نمی‌توان انتظار داشت که نسبت به همه نکات و جزئیات کار کلاسی خود همیشه و همه وقت حاضران ذهن باشند.

### ترکیب درس در کتاب‌های درسی

اغلب درسها در کتابهای درسی زبان از سه قسمت تشکیل شده‌اند:

۱- یک مکالمه یا متن درس

۲- تعدادی تمرین برای کاربرد لغات جدید و دستور زبان

۳- تمرینهای کاربردی یا کاربرد زبان،

این‌گونه کتاب‌های درسی را به دو طریق می‌توان تدریس کرد که در زبان انگلیسی اصطلاحاً به عمودی (vertical) و افقی (horizontal) معروف شده است. تدریس عمودی عبارتست از اینکه هر درس را به همان صورت که در کتاب آمده است از ابتدا شروع کرده و هر قسمت را بعد از قسمت قبلی به دنبال هم تا آخر درس آموزش دهیم.

در بسیاری از موارد امکان دارد متن ابتدای درس و یا هر یک از قسمتهای دیگر کتاب طولانی و خسته‌کننده باشد، برای ایجاد تنوع در کلاس و تغییر جزو حاکم و برای ایجاد مؤثرترین نحوه تدریس می‌توان به طریق دوم عمل کرد، بدین صورت که پس از ارائه قسمتی از متن - خصوصاً اگر متنی طولانی باشد - (معمولاً پس از تدریس یکی دو پاراگراف و احساس شروع خستگی یا بی‌علاقگی در محصلین)، و یا برخورد با نمونه نکته گرامری که قرار است در آن درس ارائه شود، تدریس متن را قطع کرده و با رجوع به صفحات بعد کتاب تمرینی را که مربوط به نکته گرامری مذکور می‌باشد ارائه داده و آن را به شکل inductive یا deductive، به هر صورت که صلاح بدانیم، یا آنکه درجه سختی یا آسانی آن ایجاب نماید، تدریس و تمرین کنیم.

معمولاً پس از حل کردن دو سه جمله اول هر تمرین می‌توان بقیه را برای انجام تکلیف خانه تعیین کرده و قسمتی از یک یا چند تمرین دیگر را حل کرد. (ب- اگر معلم صلاح بداند می‌تواند یک یا چند

تمرین را در کلاس عمل کند - همه بسته به صلاحدید خود معلم است<sup>۱</sup>، پس از انجام تمرینات لازم دوباره به ادامه تدریس متن برمی گردیم. اگر فرصت کافی نبود می توان متن را در جلسه بعد که مثلاً نوبت تمرین است تمام کرده و سپس تمرینات را عمل کرد.

حتا امکان دارد گاهی درس را با یکی از تمرین ها شروع کرده، نکات دستوری و ویژگی ها جدید را آموزش داده و بعد متن اول درس را کار کنیم. و در آخر به قسمت کار برد مطالب پردازیم. همه بستگی به نوع درس، وضع کلاس، وضعیت شاگردان و صلاحدید معلم دارد. هرگز از ایجاد تنوع در کلاس درس نترسید. تدریس افقی<sup>۲</sup> به قول (رابرت لادو) باعث تنوع در کار شده، جو کلاس را تغییر می دهد و آموزش را مؤثر تر می سازد.

همانطور که اشاره شد آموزش زبان کاریست انباشتی و همه جانبه (cumulative) یعنی همه مهارت های زبان باید باهم تمرین گردد، و به تدریج انباشته شود. (این مهارت ها عبارتند از شنیدن، گفتن، خواندن، نوشتن؛ و به قول فیونکیارو، فرهنگ اهل زبان<sup>۳</sup>)

درست است معلم برای سهولت کار محصلین برنامه ای هفتگی خود را، هر بار برای تمرین و تدریس یک یا چند مهارت مشخص می کند، مانند قرائت زبان، دیکته و ترجمه، جمله نویسی و مانند آن. ولی در هر صورت لازم است در هر کلاس ضمن تاکید بر مهارت مورد نظر، از سایر مهارت های به طور همه جانبه استفاده شود.

به طور کلی در کلاس های پائین تر مانند راهنمایی، میزان گفتن و شنیدن بیشتر بوده و تا حدود ۸۰٪ وقت کلاس را پر می کند. در حالی که در کلاس های بالا مانند سال های آخر دبیرستان، با وجود آنکه محصلین برای کنکور و امتحانات کتبی آماده می شوند باز تا ۱۰ لی ۲۰ درصد وقت کلاس را (و حتا بیشتر) می توان به تمرین های شفاهی اختصاص داد تا هم تنوع ایجاد شود، که طبیعتاً در شاگردان ایجاد انگیزه و علاقه می کند و از خستگی آنها جلوگیری می نماید، و هم اینکه کار فراگیری را سهولت

۱- لاره ست معلمین با همه روش های تدریس آشنائی داشته باشند تا در هر مرحله و هر موقعیت (Situation) بتوانند بهترین روش و مؤثرترین راه را انتخاب کنند.

۲- منظور از فرخند آشنائی با آداب، رسوم، ابا و اشاره ها و طرز بیان و وضع سیاسی و تاریخی و جغرافیائی مردم اهل زبان است در حدی که گه برای بهتر فهمیدن و درک زبان لازم می باشد

می‌بخشد. زیرا وقتی یک موضوع به چند شکل شفاهی و کتبی ارائه شود بدیهی است که بهتر در ذهن شاگرد جای می‌گیرد. تقریباً همه متخصصین فن هم عقیده هستند که بهتر است در مراحل ابتدائی زبان‌آموزی بیشتر وقت کلاس صرف تمرینات شفاهی شود و هرچه به مراحل پیشرفته‌تر نزدیک می‌شویم از میزان تمرینات شفاهی کاسته و تمرینات کتبی را افزایش دهیم. ولی لازم است که هرگز آنها را حذف نکنیم. حتی در مواردی که شاگردان (صد در صد) برای امتحانات کتبی آماده می‌شوند، تخصیص یک درصد کوچک از وقت کلاس به تمرینات شفاهی برای تفهیم بهتر درس، برای تکرار و یادگیری و توجه به آهنگ کلام و تکبیه و تلفظ، و بالاخره برای تنوع و تغییر جو کلاس لازم می‌باشد. (رک: جدول فصل قبل)

طبیعی است که اگر شاگرد بتواند جمله‌ها را درست تشخیص دهد و درست بیان کند در نوشتن و خواندن، بهتر عمل خواهد کرد.

البته همه این بحث مربوط به کلاسهای است که طبق آنچه گفته شد با هدف آماده کردن شاگرد برای امتحانات کتبی تشکیل می‌شود. بدیهی است اگر کلاسی با هدف آموزش مکالمه و گفتگو تشکیل گردد درصدهای کار شفاهی و کتبی به میزان قابل توجهی تغییر کرده و تقریباً معکوس خواهد شد.

### هدفهای آموزش زبان

هدفهای دراز مدت و کوتاه مدت

هدفهای آموزش زبان در درجه اول بستگی به نیاز محصلین و نیازهای ملی و منطقه‌ای کشور و سیاست عمومی مملکت دارد (تا کر (۱۹۷۷)، ص: ۱۸) و در درجه دوم در گرو معلم، شاگرد، طول دوره، امکانات موجود و عوامل بسیار دیگر می‌باشد.

در اروپا و کشورهای غربی، طی قرون متمادی تا قرن هیجدهم و اواخر قرن نوزدهم و در کشور خودمان ایران تا حدود بیست الی سی سال قبل، هدفها در درجه اول مربوط می‌شد به حفظ کردن لیست‌های طولانی لغت (خارج از متن) و یادگیری دستور زبان. و کسب اطلاعات عمیق و وسیع در مورد ادبیات زبان مورد تدریس.

در طول دهه ۱۹۳۰ اهداف خواندن و قرائت در آموزش زبان قابل قبول بود. اگرچه بسیاری از معلمین آموزش مدرن زبان نظر مساعدی نسبت به آن نداشتند. در طول جنگ دوم جهانی و یکی دو دهه بعد از آن تأکید بر مهارتهای شفاهی زبان قرار گرفت و اخیراً توجه روی فراگیری چهار مهارت

زبان متمرکز شده است. براساس سیاستهای ملی، معلم زبان می‌تواند یکی و یا همه‌ی این اهداف را با توجه به نیاز شاگردان و کاربرد زبان در محیطی که در آن تدریس می‌شود (یعنی نیازهای موجود)، مورد تأکید قرار دهد\* (چستین، ۱۹۷۱، ص ۲۷۴)

مروزه بهترین خط مشی برای آموزش زبان به نظر می‌رسد توجه به چهار مهارت (شنیدن و گفتار و خواندن و نوشتن) و سعی در رساندن شاگرد به مرحله تسلط کامل بر آن مهارتها (تا آنجا که تدریس شده است). در پایان هر کتاب و یا هر دوره آموزشی باشد.

مجدداً تأکید می‌شود که در موقع آموزش زبان بهتر است حتماً به همه جانبه بودن آن توجه شود. هدف‌های کوتاه مدت زبان همانست که می‌کشیم در پایان هر درس یا هر فصل از کتاب شاگردان را با آنها آشنا کنیم. (مانند تدریس تلفظ و مفهوم تعداد معینی ز و ژگن، کاربرد درست آنها در جمله) و تدریس یک یا چند نکته گرامری و ساختار زبان و نظیر اینها.

هدفهای بلند مدت تدریس کار کلاسی در طول سال یا طول ترم تحصیلی و تداوم فعالیتها و تمرین روی جنبه‌های مختلف و همه مهارتهای زبان حاصل می‌گردد، که عبارت است از تسلط به هر یک از مهارتهای تدریس و تمرین شده تا حدی که معین گردیده است.

برای نیل به هدفهای کوتاه مدت لازم است پس از تصمیم در مورد تعداد ساعاتی که بری تدریس هر درس لازم است<sup>۱</sup> معلم فعالیت‌های هر کلاس و یا هر هفته کار خود را برنامه‌ریزی کند. به گونه‌ای که دانش‌آموزان بهترین بهره را از تدریس و کار کلاسی ببرند.

لذا بهترین کار اینست که دو طرح درس تهیه کنیم. یعنی برنامه درسی خود را هم برای یک هفته (یا دو الی سه هفته که نیاز داریم تا یک درس را کامل کنیم) و هم برای هر ساعت درسی تنظیم نمائیم. هدف‌های نهائی آموزش زبان تعریف شده توسط بسیاری از وزارتخانه‌های آموزش و پرورش کشورهای مختلف بنا به نوشته ریچارد تاکر (۱۹۷۷) عبارت از اینست که دانش‌آموزان در پایان

۱- معلمین جوان باید نوحه داشته باشند که بعضی از درسهای کتاب نسبت به درسهای دیگر وقت بیشتری لازم دارند و بعضی کمتر. لذا بهتر است که درسهای اول کتاب را که احتمالاً کوتاه‌تر و ساده‌تر هستند سریع‌تر درس بدهد تا در اواخر ترم دچار اشکال شوند.



دوره‌های متوسطه یعنی پس از حدود شش سال تحصیل زبان خارجی (۲ سال راهنمایی و چهارسال دبیرستان) باید قادر باشند:

- ۱- زبان خارجی را که با سرعت معمولی به کار می‌رود بفهمد: (listening)
  - ۲- در زمینه‌های منطقی (زبان روزمره) بتوانند به طریق مؤثر با اهل زبان خارجی مورد نظر گفتگو کنند. (speaking)
  - ۳- بتوانند متون ساده را با سرعت و روانی و درک مطلب بخوانند (reading)
  - ۴- یک بند (paragraph) یا به کار بردن قواعد اساسی نوشتن به زبان خارجی بنویسند (writing)
- (ص. ۱۹)

ملاحظه می‌شود، هدف نهائی از تدریس زبان در دبیرستانها تنها آماده ساختن شاگردان برای امتحانات نهائی و کنکور نمی‌باشد. همه مهارت‌های چهارگانه زبان‌آموزی مورد توجه قرار دارد و لازم است دبیران محترم از هیچیک از آنها غفلت نکنند. در حالی که بسیاری از معلمان هدفی جز آماده ساختن شاگردان برای کنکور ندارند و فکر میکنند اگر تنها بر تدریس و ژگمان و گرامر اصرار بورزند شاگردان آنها در کنکور موفق خواهند شد. در حالی که علیرغم زحمت فراوانی که معلم و شاگرد درین زمینه متحمل می‌شوند، نتایج امتحانات نهائی و کنکور تا به حال خلاف آن ثابت کرده است!

#### طرح درس و معلم تازه‌کار:

لازم است به خصوص برای معلمان تازه‌کار و دانشجویان سال آخر دبیری و معلمان در حال آموزش که طرح درسهای کامل تهیه کنند. به قول ریچارد یورکی (۱۹۷۰) لازم است که حتماً کار خود را طرح‌ریزی کرده و طرح خود را به کار بندند. تا وقتی که با همه ریزه‌کاریها و زیر و بم‌های تدریس عملی در شرایط گوناگون آشنا شوند. (البته پس از آن نیز از طرح درس بی‌نیاز نخواهند بود بلکه می‌توانند آنرا به صورت زئوس مطالب و مختصرتر تنظیم نمایند). این وضعیت به قول چستین (۱۹۷۱) مانند وضعیت دانشجویان رشته ریاضی است که برای فراگیری تکنیکهای حل مسئله می‌بایستی قدم‌های مناسبی را با دقت و نظم مربوط به خود بارها تکرار و پیروی کنند تا کاملاً به کار مسلط شوند. بدیهی است که بعداً می‌توانند راههای میان‌بری را برای جلوگیری از تکرارهای زائد انتخاب نمایند تا کار تدریس خود را به مؤثرترین نحو ممکن برسانند. (ص ۲۷۲).

همین امر در مورد معلم زبان صدق می‌کند. لازم است که معلمان تازه‌کار (خصوصاً در سالهای آخر آموزش زبان، همراه با درس تدریس عملی) مکرراً روی نحوه‌های مختلف ارتباط دادن هدفهای

گوناگون آموزش زبان با تمرینات گوناگون کار کلاسی کار کنند. ارتباط دادن این دو با هم آنچنان که در وهله اول به نظر می‌رسد آسان نیست و لازم است که دانشجوین سالهای آخر دبیری و کسانی که تدریس خو را تازه شروع کرده‌اند (و حتی سایر معنمین در مراحل بازآموزی برای یادآوری و تطبیق تجربه‌های شخصی با تئوریهای موجود) توجه خاص و تمرکز تمرین روی ایجاد این ارتباط برقرار کنند و بر مشخص کردن هدف، تمرین در شرایط مختلف و نهایتاً امتحانات لازم برای نتیجه‌گیری، تأکید داشته باشند.

پس از چند تمرین کامل و به دست آوردن معیارهای مناسب و مترجه شدن بسیاری از ریزه‌کاریهای امر، می‌توانند بعضی از جزئیات قسمتهای طرح درس را حذف کرده و فقط به ذکر رئوس مطالب پردازند. ولی همیشه مانند همان دانشجوین ریاضی می‌بایستی کلیه جزئیات مربوط را در ذهن حاضر داشته باشند که با برخورد با استعدادهای متفاوت در کلاس درس بتوانند از همه مکانات استفاده کنند. در هر وضعیت و هر کلاس و هر سطح تدریس، معلم باید قبل از ورود به کلاس درس توجه داشته باشد که هدف تدریس و فعالیت‌های لازم و مربوط به آن چیست. یعنی می‌خواهد چه مهارتی را در شاگردان ایجاد یا تقویت کند، و ب کدام تمرین‌ها!

### سه قسمت کار کلاسی

در کلاس درس معلم سعی می‌کند که اطلاعات زبان و تئوریهای موجود را منتقل کرده، تمرین‌های لازم برای تفهیم و پس از آن برای کاربرد مطالب انجام داده و راههای مؤثرتر را در انجام تمرین‌ها به کار بندد. معلم می‌داند که مهارت به صورت ناگهانی ایجاد نمی‌شود و باید با تمرین‌های مداوم و مربوط به هم ساخته و تقویت شود.

بهترین روش برای تدریس مؤثر، ارتباط دادن مطالب جدید به دانسته‌های قبلی و بنا کردن ساختمان زبان بر پایه یافته‌های پیشین است. لذا لازم است که در ابتدای هر ساعت درس قسمتی از وقت کلاس را به مرور یا بررسی و دوره کردن درس گذشته و حتی درسهای گذشته بگذرانیم.

این بررسی می‌تواند اشاره به رئوس مطالب گذشته با ذکر یکی دو مثال (حتی المقدور به صورت شفاهی) باشد یا به صورت پرسیدن درس از شاگردان<sup>۱</sup> و یا تصحیح تکالیف شب و دادن یا پرسیدن

۱- روش بسیار خوبی برای وادار کردن شاگردان به مطالعه و یادگیری و ایجاد نگره در آنان است که معلم در ابتدای هر ساعت درس - با فرار قبلی - از چند شاگرد به طور نامشخص، چند پرسش راجع به درس گذشته کرده و

توضیحات لازم در موارد ضروری و نظیر آن. ضمناً لازم است قبل از پایان هر کلاس با پیش‌گزارشی مختصر به درس آینده نیز اشاره کنیم، به طریقی که هر درس حداقل در سه نوبت برای شاگردان توضیح داده شود:

اول در پایان ساعت قبل از روز ارائه اصلی درس،

دوم موقع تدریس و ارائه آن و

سوم در ابتدای جلسه بعد که طبق آنچه گفته شد به صورت بررسی و ارائه مستقیم (در صورت اهمیت یا مشکل بودن مطلب و یا بلد نبودن شاگردان) و یا به صورت پرسش و پاسخ و حل تمرین و غیره انجام می‌شود.

به این ترتیب کلاس درس را می‌توان به سه قسمت (بررسی - ارائه - پیش‌گزارش) review - view

pre-view - تقسیم کرد.

به طور کلی تا  $\frac{1}{4}$  ساعت درس را می‌توان برای بررسی (review) و چند دقیقه تا  $\frac{1}{4}$  وقت کلاس را برای پیش‌گزارش (pre-view) و تعیین تکالیف شب و نیمی از وقت کلاس و یا کمی بیشتر آنرا برای ارائه (view) یعنی تدریس درس اصلی و تمرین مطالب جدید و جزآن صرف کرد. (چستین ۱۹۷۱، ص ۲۸۱)

فینوکارو (۱۹۷۳) این تقسیم‌ها را با جزئیات بیشتری توضیح می‌دهد:

برای یک کلاس فرضی ۴۵ دقیقه‌ای می‌توان جزئیات زیر را در نظر گرفت. (از پیشنهادها داده شده در زیر فقط قسمتهایی را که در هر ساعت به کار کلاس می‌خورد انتخاب کنید (یا چیزهای لازم دیگری را بر آنها بیافزایید) و سایر قسمت‌ها حذف‌ها کنید. ضمناً وقت‌های تعیین شده در صورت لزوم به تناسب قابل افزایش و یا کاهش می‌باشد):

بررسی (Review)

آمادگی، تکرار مطالب کاملاً آشنا: تاریخ روز، وضعیت هوا، پرسش راجع به فعالیت‌ها و مطالب درس قبل، یک بازی زبان، آواز مناسب دسته جمعی به زبان مورد تدریس، ارائه دراماتیک (نمایشی) یکی از مکالمه‌های قبلی، مکالمه شفاهی روی هریک از موضوعات آشنا یا مناسب،

برای آماده ساختن زبان محصلین جهت کاربرد زبان خارجی. یا یک بحث کوتاه در مورد موضوع تازه مورد علاقه، جهت آشنا کردن گوش شاگردان برای گرفتن صداهای زبان خارجی. (می توان این کار را با پرسش های درس ادامه داد) (۵ دقیقه)

تصحیح تکالیف شب - (اگر قبلاً تکلیفی داده شده است). آزمایش به صورت (quiz) کوتاهی که از قبل تعیین شده است (تا ۷ دقیقه).

### ارایه View

تمرین تلفظ (شامل تلفظ کلمات، آهنگ صدا، تأکیدها، فشار کلمه و (ریتم) یا نحوه بیان جمله (۳ دقیقه)

(اگر کلمات جدید در preview جلسه قبل ارائه شده است، این قسمت را می توان جزو review به حساب آورد).

مقدمه چینی و آمادگی برای ارائه مطلب، متن یا درس تازه و ایجاد انگیزه در شاگردان برای درک و پذیرش آن بوسیله ایجاد ارتباط با موضوع مربوط (تعریف خلاصه ای از اینکه موضوع راجع به چیست) و یا مقایسه مطلب جدید با موضوعات قبلی و ارتباط دادن آن به تجربیات شخصی و اجتماعی و عمومی شاگردان (۵ دقیقه)

- بیان هدف درس جدید

- ارائه مطلب جدید (مکالمه، متن، موضوع فرهنگی، قرائت، جمله نویسی و جز آن) (۵ تا ۱۰ دقیقه)

- تمرینات شفاهی، تمرین الگوها، تمرین های هدایت شده و یا مکالمات آزاد، خواندن و غیره (۱۵ دقیقه)

- خلاصه درس (۳ دقیقه)

- تکرار و تعیین تکالیف جدید، تکرار مکالمه و یا خلاصه درس (۲ تا ۵ دقیقه)

### پیش گزارش Preview

- توضیح درباره درس جلسه بعد به طریقی که در شاگردان انگیزه ای برای میل به بازگشت به کلاس زبان ایجاد گردد. (فینوکیارو (۱۹۷۳)، صص. ۴۸-۱۴۷)

پیشنهادهای بالا همه قابل تغییر است و معلم باید در شرایط مختلف همه امکانات و احتمالات لازم را پیش بینی کرده و برای تمرین جنبه های گوناگون زبان خارجی و پیشرفت مهارت در کاربرد آنها

به کار گیرد. البته باید توجه داشت که هرچه در تئوریهای آموزشی زبان گفته شده باید هر یک در جای خود به کار گرفته شود تا جهت رسیدن به هدفهای از پیش تعیین شده طرح متعادلی برای تدریس تهیه شود. معلم باید همیشه این دو پرسش را در موقع طرح ارائه درس، تکنیکها، تمرینها و مطالب مورد تدریس در نظر داشته باشد:

– طرح متعادل برای چه کسی؟ و آنچه گفته شد به صورت تدریس و ارائه تنظیم (توسعه) و رسیدن به کدام هدف؟

منابع:

Chstain, Kenneth (1971) *The Development of Modern Language Skills* USA.  
Chstain, Kenneth (1988) *Developing Second Language Skills: Theory to Practice*. USA: Harcourt Bracr Jovanivich Publishers.

Brown, Doglas (1994) *Principles of Language Learning & Teaching*.  
NJ.:Prentice Hall Regents.

Brumfit, C.J. (1991) *The Communicative Approach to Language Teaching*.  
N.Y.: Oxford University Press (OUP).

Doff, Adrian (1990) *Teach English: A training course for Teachers*.  
London:Cambridge UP.

Finocchiaro, Mary (1973) *The Foreign Language Learner*. USA:Regents  
Pub.Co.

Finocchiaro, Mary & C.Brumfit (1988) *The Functional-Notional Approach: From Theory to Practice*. N.Y.: OUP.

Krashen, S. & T.Tracy (1991) "Language Learning Tasks" in *English Language Teaching Journal* 45/2.

Tarone, Elain & G. Yule (1989) *Focus on the Language Learner*.OUP.

Toossi, Bahram "An Historical Review of Foreign Language Teaching Techniaues" in *Roshd FLT Journal*,6/24 Summar & Fall.

\_\_\_\_\_ (1992) "Teaching Basic EFL in Crowded Classes" Paper presented at IATEFL Anual Conference, England: Kent University. (3-6 April).